

کتی گاردنر
دیوید لوویس

انسان شناسی و توسعه

چالش های توسعه
در قرن ۲۱

ترجمه سید قاسم حسینی
ضو هیات علمی دانشگاه مازندران

عاطفه ناصری نیا



برس شناسه	گاردنر، کتی، ۱۹۶۴-م. Gardner, Katy, 1964-
عنوان و نام پدیدآور	انسان شناسی و توسعه: چالش‌های توسعه در قرن ۲۱ / کتی گاردنر، دیوید لوییس؛ ترجمه سید قاسم حسینی (عضو هیأت علمی دانشگاه مازندران)، عاطفه ناصری‌نیا.
مشخصات نشر	تهران: اندیشه احسان، ۱۳۹۸.
مشخصات ظاهری	۳۰۵ ص. ۲۱/۵×۱۴/۵ س.م.
شابک	۹۷۸-۶۲۲-۶۰۲۶-۸۱-۹
وضعیت فهرست نویسی	فیفا
ناشر	عنوان اصلی: Anthropology and development : challenges for the twenty-first century, c2015.
موضوع	انسان شناسی کاربردی
موضوع	Applied anthropology
موضوع	رشد اقتصادی -- جنبه‌های اجتماعی
موضوع	Economic development -- Social aspects
شناسه افزوده	لوییس، دیوید، ۱۹۶۰-م.
شناسه افزوده	Lewis, David
شناسه افزوده	سنتر سید قاسم، ۱۳۵۶، مترجم عضو هیأت علمی دانشگاه مازندران
شناسه افزوده	ناصری‌نیا، عاطفه، ۱۳۶۳-، مترجم
رده بندی کنگره	GL۷/۳۹۱ ک۲۰۱۹۷
رده بندی دیویی	۳۰۳/۴
شماره کتابشناسی ملی	۵۴۶۰۱۹۲



انسان شناسی و توسعه: چالش‌های توسعه در قرن ۲۱

تألیف: کتی گاردنر، دیوید لوییس	ترجمه: سید قاسم حسینی، عاطفه ناصری‌نیا
نوبت چاپ: اول ۱۳۹۸ شمارگان: ۵۰۰	قیمت: ۵۱۰۰۰ تومان
طراح و گرافیک: پرویز بیانی	چاپ: هوران
آماده‌سازی و تولید: انتشارات اندیشه احسان	
تمامی حقوق این اثر محفوظ است. تکثیر یا تولید مجدد آن کلاً و جزاً (چاپ، فتوکپی، صوت، تصویر و انتشار الکترونیکی) بدون اجازه مکتوب ناشر ممنوع است و پیگرد قانونی دارد.	

دفتر نشر: تهران، خ انقلاب، روبروی درب اصلی دانشگاه تهران، پاساژ فروزنده، ط ۲، واحد ۵۰۷

تلفن: ۰۲۶۶۴۶۶۰۰۲ - تلگرام: ۰۹۱۹۱۵۵۱۸۰۲ - سایت: www.andishehehsan.com

فروشگاه: تهران، خ انقلاب، روبروی درب اصلی دانشگاه تهران، پاساژ فروزنده، طبقه همکف، واحد ۳۰۷

تلفن: ۰۲۶۶۴۶۶۰۰۱ - [sociologybookstore](http://sociologybookstore.com)  [andishe_ehsan](http://andishe_ehsan.com) 

فهرست

۷	واژه‌نامه
۱۵	پیش‌درآمد: توسعه، پساتوسعه و فراتوسعه
۲۷	فصل اول - درک توسعه؛ تدریج و عمل در قرن ۲۱
۲۷	توسعه: تاریخ و تعریف‌ها
۲۸	سرمایه‌داری و استعمارگری
۳۲	دوران پسااستعماری: ۱۹۴۹ به بعد
۳۶	صنعت حمایتی و کمک
۴۱	تنویری‌های توسعه
۶۰	چالش‌های جهانی و تداوم آن
۷۷	انسان‌شناسی و پساتوسعه: در قرن ۲۱
۸۱	فصل دوم - کاربرست انسان‌شناسی
۸۴	انسان‌شناسی، نسبی‌گرایی فرهنگی و تغییر اجتماعی
۸۷	ارزیابی انسان‌شناسی کاربردی
۱۰۰	توسعه به‌عنوان رشته کاربردی انسان‌شناسی

۱۰۲	 پروژه‌ها و طرح‌ها
۱۱۱	 معضلات کارهای کاربردی
۱۱۹	 انسان‌شناسی مشارکتی - متعهد در قرن بیست و یکم

۱۲۷	 فصل سوم - انسان‌شناسی توسعه
۱۲۸	 انسان‌شناسان: تغییر و توسعه: دیدگاهی از ۱۹۹۶
۱۷۷	 «هدیه توسعه» اخلاق و اعتقاد

۱۹۷	 فصل چهارم - انسان‌شناس‌ها در توسعه: دسترسی، اثرات و کنترل
۲۰۰	 دسترسی
۲۱۱	 اثرات
۲۱۸	 کنترل
۲۳۰	 نتیجه‌گیری

.....	فصل پنجم - هنگامی که ایده‌های خوب به بد تبدیل می‌شوند: گفتمان غالب
۲۳۳	
۲۳۶	 زمانی که ایده‌های خوب، بد می‌شوند: افت و غرنوسه سیاسی شده
۲۵۸	 مردم‌نگاری، مشارکت و توانمندسازی، دور دوم

۲۷۳	 فصل ششم - نتیجه: انسان‌شناسی، توسعه و چالش‌ها - قرن ۲۱
۲۷۵	 کنترل، دسترسی، تأثیرات

۲۸۱	 کتاب‌شناسی
-----	------------------

پیش‌درآمد: توسعه، پساتوسعه و فراتوسعه

ایده توسعه مانند تریابه‌ای بر دورنمای فکری می‌ایستد. دلسردی و ناامیدی، شکست‌ها و نراپایه‌ها را همان همیشگی توسعه بوده‌اند و آنها یک داستان مشترک را می‌گویند: آن کار می‌کند (اسچز^۱، ۱۹۹۲: ۱).

به دنیای توسعه نرسش آمد. جریان توسعه تبدیل به یک نگرانی جهانی شده است و کسی نیست که متأثر نشده باشد. در حالی که توسعه، ایجاد تغییر در عرصه‌های فرهنگی، اجتماعی، سیاسی و اقتصادی را برمی‌انگیزد، توسعه یک پروژه برای شکل دادن جهان^۲ است (ایکسلی و کرو^۳، ۲۰۱۳).

چه اتفاقی برای انسان‌شناسی توسعه و چالش‌های پست‌مدرن آن افتاد؟ زمانی که نخستین ویرایش این کتاب را در سال ۱۹۹۶ منتشر کردیم (با عنوان انسان‌شناسی، توسعه و چالش‌های پست‌مدرن) توسعه زیر آتش تئوریک مداوم بود. با از اعتبار افتادن نظریه تکاملی و مرکزگرایی اروپا-آمریکایی، حمله توسط نویسندگانی مانند وولف گانگ اسچز (۱۹۹۲) و آرترو اسکوبار (۱۹۹۵) به‌خاطر نقش توسعه در حفظ روابط قدرت پسااستعماری، به نظر می‌رسید که

1. Saches
2. World-shaping
3. Axelby & Crewe

در ده یا بیست سال آینده، توسعه کلاً به پایان خواهد رسید و شکل‌های جدیدی از تغییر ترقی‌خواه ظهور یابد. حتی اگر گزارش‌ها از مرگ و نابودی توسعه بسیار اغراق‌آمیز بودند، به نظر می‌رسید عصری از تفکر پساتوسعه برای ما اتفاق افتاد. در انسان‌شناسی، انتقادهای پست‌مدرن نیز موجب نگرانی‌های شدیدی شد. اتهام به خلق بازنمایی‌های اغزو تیزتیک (بیگانه‌انگاری) از دیگری و بکنش‌های روش‌شناختی که در آن انسان‌شناسان، افراد را مانند ابژه و سوژه مطالعه می‌کردند، برای مدتی به نظر می‌رسید رشته‌ای با خطر از دست دادن اعتماد خود را حتی تبدیل شدن به خرد رشته نقد ادبی مواجه است؛ اینها مسائل و مسائلی بودند که توسط کلیفورد و مارکز^۱ در سال ۱۹۸۶ در کتابشان تحت عنوان "نقش فرهنگ" مطرح شد.

انسان‌شناسی، توسعه و پاش‌های پست‌مدرن بر این تأکید دارد که انسان‌شناسی باید در مسائل اجتماعی مستقیماً درگیر شده و مشارکت و تعامل ورزد. آن کتاب فریادی برای مشارکت و تعامل انسان‌شناختی در توسعه، در همه معانی مختلفش بود. در آن کتاب، تلقی‌مان این بود که در حالی که، حمله پست‌مدرن به توسعه از نظر تئوریک جادب رد، این خطر برای انسان‌شناسی هم بود که نتواند سهم تعاملی و مشارکتی سیاسی داشته باشد. استدلال اسکوبار از توسعه همگن‌ساز و ساده‌انگارانه که در دهه ۱۹۹۰ بسیاری از برنامه‌ریزان و طراحان توسعه را شامل می‌شد و به سبک و سیاق استعمار، مردم جهان را در معرض قرار می‌داد، در آن کتاب مورد توجه قرار گرفت. در این حال اشاره به بحث‌هایی در خصوص خود رشته انسان‌شناسی توسعه و انسان‌شناسی در توسعه مورد توجه ما در آن کتاب بوده است. بسیاری از انسان‌شناسان نه تنها در این‌که در فرموله کردن سیاست‌ها و عملکردهای جدید که به مسائلی همچون قدرت، فقر و نابرابری را به‌جای رشد اقتصادی و مدرنیزاسیون توجه می‌کرد نقش داشته‌اند، بلکه آنها نقش عمده‌ای نیز در این زمینه داشته‌اند تا دیدگاه

غنی‌ای پیرامون ارتباط میان روابط اجتماعی و تغییر اقتصادی برای خود انسان‌شناسی آکادمیک ارائه دهند.

با ردیابی ارتباط و پیوندها میان کار مردم‌نگاری و جهت‌گیری‌های رادیکال جدید در توسعه، تأثیر و نفوذ انسان‌شناسی در شکل‌دهی به فرمول‌های جدیدی که ماورای گفتمان استعماری یکپارچه‌ساز که توسط سازج، اسکوبار و دیگران توصیف شد بزرگ بوده است، پرسش‌هایی که انسان‌شناسان راجع به دسترسی، کنترل و اثرات می‌پرسند، بر کار توسعه آگاهانه و تمرکز بیشتر بر مسائلی چون قدرت، دسترسی نابرابر و نابرابری تأثیر داشته است. روش‌های مردم‌نگاری، کلیدی برای راه‌های جدیدی در دیدن و عمل کردن بودند. در واقع بر اساس عملکرد انسان‌شناختی، فنون جدید برای جمع‌آوری اطلاعات و استفاده آن برای تغییر مؤثر، و به‌کارگیری رویکردهای متضامی چون "اقدام و یادگیری مشارکتی" (PLA) که در طی دهه ۱۹۹۰ محبوبت یافت، از مواردی هستند که در کار توسعه جهان جذاب بوده‌اند.

باید دید چه اتفاقی افتاد؟ آیا پیش‌بینی اسکوبار درست بود که توسعه به انتهای خود رسید؟ در بیست سال گذشته، میزان محتوای تغییرات به دو شیوه قابل توجه است. در معنای اول، توسعه عمیق‌تر پستاب است. جهانی که ما در سال ۱۹۹۶ توصیف کردیم خیلی متفاوت از عصر پساتوسعه است. از جنگ، رکود مالی، بحران اقتصادی و ریاضتی و ستلج‌جنگ است. در حالی که BRICs (برزیل، روسیه، هند، چین) به‌عنوان اقتصادهای در حال ظهور، در زمینه نرخ‌های سریع رشد اقتصادی، صنعتی شدن، شهرنشینی وارد میدان شده‌اند، کشورهای دیگر تجربه دراماتیکی در توسعه‌نیافتگی در نتیجه بحران مالی جهانی داشته‌اند. این که کجا و با چه کسی کار توسعه رخ می‌دهد، مبهم شده است و در عین حال تمایزات میان جهان توسعه‌یافته و توسعه‌نیافته بسیار مسئله‌ساز شده است. در عین حال نه تنها دولت‌های جدید، آژانس‌ها و

اعطاکنندگان کمک به عنوان کمک‌دهندگان و نمایندگان توسعه - همانند هند و چین - وارد نزاع شده‌اند، برنامه‌ها و رفتارهای اخلاقی در بهبودبخشی نیز توسط شرکت‌ها به عنوان نشان افتخار مورد توجه قرار گرفته است. در بحث ارزش اخلاقی بر بهبود زندگی دیگران خصوصاً اگر آنها در طرف دیگر جهان زندگی می‌کنند تأکید می‌شود. امروزه، بشردوستی، نوعی سرگرمی برای میلیاردها، ستارگان پاپ، هنرمندان است؛ یعنی کسانی که در تأیید پروژها و حل آن خیر بر می‌دارند؛ در حالی که تاریخ فقر را می‌سازند و یا سرکوبی را برای زنان در سراسر جهان با کلیک ماوس به فرصت تبدیل می‌کنند و یا هدیه‌ای می‌پردازند و با دستبندی را به دست می‌کنند.

در معنای ^{۲۰} تغییر نقطه به خاطر غیبت‌اش قابل توجه است. همان‌طور که ایکسل بای و برو (۲۰۱۰) تأکید می‌کنند، توسعه هم به عنوان مفهوم و هم مجموعه‌ای از عملکردها هم نشان از نظر جهانی دارای قدرت عظیمی است. به هر حال این داستان، بدو در نظر گرفتن سنگ‌اندازی دوطرفه‌های سیاسی، همچنان باقی است. ظرفیت توسعه برای جذب انتقادات و موارد بی‌شماری که با خود همچنان حمل می‌کند، گراهی بر قدرت پایداری است. این امر برای قلمرو ایدئولوژیکی توسعه نیز به‌طور برابر به کار می‌رود؛ همانند دیدگاهی که رشد اقتصادی و اقدامات دیگر را امری مطلوب اجتماعی می‌داند که عموماً تحت تأثیر تصور مدرنیسم غربی‌سازی است. برای مثال "اهداف هزاره ملل متحد" (MDGs) با اهداف توسعه پایدار پس از ۲۰۱۵ (SDGs) که طراحی شدند تا از این تفکرات پیروی کنند از اهداف توسعه هستند. باید تأکید کرد که صنعت توسعه بی‌وقفه ادامه دارد. دانشگاه‌ها مدام مدارکی در مطالعات توسعه ارائه می‌دهند، بخش‌های دولتی توسعه همچنان در جایگاه‌شان باقی می‌مانند، جامعه مدنی و سازمان‌های غیر دولتی (NGOs) مسئولیت توسعه را عهده‌دار هستند و هزاران نفر از کارشناسان، مشاوران، متخصصان کار میدانی و مأموران اداری برای

معیشت‌شان به توسعه اتکا می‌کنند. و در مجموع باید گفت که توسعه به زندگی هر شخصی ارتباط پیدا می‌کند.

با این اوصاف انسان‌شناسی توسعه و انسان‌شناسی در توسعه چیست؟ در ویرایش دوم انسان‌شناسی، توسعه و چالش پست‌مدرن، بررسی کردیم که پتانسیل انسان‌شناسی برای بررسی و توصیف فرآیند تغییر و همکاری در دیدگاه‌های جایگزین همچنان قدرتمند باقی می‌ماند. همان‌طور که در بخش‌های قبلی دیدیم، انسان‌شناسی توسعه به‌طور فزاینده‌ای در جریان اصلی توسعه قرار می‌گیرد و در حاشیه نیست. بیست و سالی پس از زمانی که این کتاب برای بار اول چاپ شد این رشته گسترده شده است. این امر به‌خاطر این بوده است که بسیاری از انسان‌شناسان در زمینه‌های تغییر سیستم اقتصادی، جهانی شدن و پیچیدگی‌های فرهنگی کار می‌کنند و این امر باعث می‌شود که پرسش‌های مربوط به تغییر را نمی‌توان نادیده گرفت و خرد رشته‌ای چرن انسان‌شناسی توسعه را مورد غفلت قرار داد. امروزه تنها اقلیت کوچکی از انسان‌شناسان در پژوهش‌های اجتماعات یا گروه‌هایی که بدون تأثیر جهان وسیع هستند درگیر این موضوع هستند. این که جهان در حال تغییر است، جدید نیست. آنچه که تغییر مسیر داده است میزان و اندازه تغییرات نیست؛ بلکه تمایل انسان‌شناسان به پذیرش، مستند کردن و تئوریزه کردن تغییر است. امروزه مطالعات انسان‌شناختی پرسش‌هایی راجع به محیط‌زیست، مهاجرت، دولت، نظریه رایانه‌داری جهانی را چارچوب‌بندی می‌کند. اگر انسان‌شناسی توسعه در عین وسعت خود، انسان‌شناسی تغییر و تحول یا انسان‌شناسی سیستم‌های اقتصادی جهانی است؛ بنابراین، در شناسایی این که مرزها میان این رشته و بدنه اصلی انسان‌شناسی کجا قرار می‌گیرند دچار مشکل می‌شویم.

اما باید توجه کرد که مجموعه اصلی کار، همان توسعه است. در اینجا توجه به تمایز مؤثری که در حوزه توسعه توسط جغرافیدان انسانی گیلان هارت^۱ (۲۰۰۱: ۶۵۰) مطرح می‌شود مهم است.

بین توسعه با D بزرگ که به‌عنوان پروژه مداخله (پس از جنگ جهانی دوم) در جهان سوم که در زمینه استعمارزدایی و جنگ سرد ظهور کرد و توسعه با d کوچک یا توسعه کاپیتالیسم از نظر جغرافیایی نابرابر و مجموعه متناقض انفرایندهای تاریخی باید تفاوت قائل شد.

یک معنی از توسعه، آن را به‌عنوان تغییر سرمایه‌داری آشکار در نظر می‌گیرد و تعریف دیگر به تغییر برنامه‌ریزی شده و هدفمند اشاره می‌کند که در "جهان توسعه" (هتینگ، ۲۰۱۳) می‌افتد (ایکسلبای و کرو، ۲۰۱۳). تمایز بین توسعه با D و توسعه با d در در سرتاسر کتاب به کار خواهیم برد. ما نشان خواهیم داد که انسان‌شناسی توسعه اوایل قرن بیست‌ویکم، اکنون پرسش‌هایی را انتخاب می‌کند که اسکوبار در مطالعه پساتوسعه مطرح کرده است (برای مثال ببینید لسکوبار، ۲۰۰۸، ۲۰۱۰). این برانگیختگی تازه انسان‌شناسی توسعه گسترده است و زمینه مطالعات را بسط شتابان می‌دهد که ما تنها می‌توانیم بخشی از کار را توصیف کنیم. حالا کار توسعه و پذیرش آن به‌عنوان حوزه گفتمانی چه معنی می‌دهد؟ چقدر می‌توان پروژه‌ها و سیاست‌های توسعه را نه به‌عنوان جهان‌های فرهنگی که آنها را تولید می‌کنند، درک کرد؟ چگونه ما باید رویکردهای جدید توسعه را بفهمیم، رویکردهایی که شامل؛ طرح‌های کارآفرینی، تجارت عادلانه و بودجه‌های خرد می‌شود که هدفش دستیابی به پتانسیل بازار از پایین هرم و همچنین پیوند آن به حاکمیت جهانی قدرت هژمونیک مداوم سرمایه‌داری جهانی است؟ چگونه می‌توان توسعه‌سازی برای رفاه را در شکل سرمایه‌گذاری بزرگ مقیاس در قالب مداخلات حمایت اجتماعی مانند طرح‌های وام، بیمه کوچک و سوبسید کالا را درک کنیم؟ چه اقتصادهای اخلاقی در زیر این

طرح‌ها قرار دارند و چطور تئوری انسان‌شناسی برای توضیح آنها می‌تواند به کار برده شود؟

برای هر دو توسعه (d/D) ما پرسش‌هایی از دسترسی، کنترل و اثرات را بررسی می‌کنیم که در ویرایش اول کتاب مطرح شد و همچنان مورد توجه است. از آنجایی که این پرسش‌های اساسی مشابه هستند برخی از قسمت‌های کتاب را تغییر ندادیم؛ همانند این بحث‌ها: چه کسی به دست می‌آورد و چه کسی شکست می‌خورد؟ چه چیزی در حال اتفاق افتادن است و چه چیزی اتفاق افتاده است و چرا؟ چه چیزی محرک اساسی قدرت در تمام سطوح و مقیاس است؟ مثل قبل، ما استدلال می‌کنیم که این سؤالات به ظاهر ساده باید در قلب تحلیل انسان‌شناختی در هر دو معنی توسعه (D/d) باقی بمانند؛ تا بتواند به عنوان یک پیرایه برای کسانی که در صنعت توسعه و هم برای آنهایی که در پژوهش‌های دانشگاهی در نقد و انتقاد آن کار می‌کنند مورد استفاده قرار گیرد. در حالی که رانی تحت عنوان «دو قلوی بد» (فرگسون^۱، ۱۹۹۷) مطرح بود، انسان‌شناسی توسعه D/d اخیراً به عنوان «روایت اخلاقی» شناخته می‌شود (گو^۲، ۲۰۰۲). در جهانی که بین داراها و ندارها تقسیم شده است، جایی که منافع و رشد اقتصادی باعث طرد آنهایی که در حاشیه‌اند می‌شود، و جایی که اخلاق و شخص‌بودگی تحت تأثیر صرف قرار می‌گیرند، این انسان‌شناسان هستند که با ارائه شواهد تجربی و تحلیل از این که چگونه سیستم‌های جهانی کار می‌کنند و این که اینها چه معنایی برای مردم معمولی دارد در بهترین جایگاه قرار می‌گیرند. این انسان‌شناسان هستند که با چشم‌اندازهای میان‌فرهنگی‌شان، قادرند تا شیوه‌های تازه از دیدن را ارائه دهند؛ برای مثال این که بازار می‌تواند بیماری‌های جهان را درمان کند یا این که سیستم‌های اقتصادی سرمایه‌داری جهانی عقلانی هستند (بینید گرابر^۳، ۲۰۱۱).

در اینجا، تمایز قائل شدن بین انسان‌شناسی به عنوان نقد و انسان‌شناسی به عنوان فعال در عمل و اقدام در توسعه سودمند است (هیل^۱، ۲۰۰۶). مانند ویرایش اول کتاب، با این تمایز در ذهنمان فصل‌های کتاب را تقسیم کردیم، گزارشی به روز از تاریخ انسان‌شناسی متعهد و تعاملی به طور عام و انسان‌شناسان در توسعه به طور خاص، به همراه دیدگاهی از تحلیل‌های دانشگاهی و مردم‌نگاری‌ها ارائه کردیم و همین‌طور بخش‌های جدیدی را برای پوشش مسبرهایی که این رشته از اواخر دهه ۱۹۹۰ اتخاذ کرده است اضافه کردیم. اما بار دیگر، در حالی که تفکر راجع به انواع گوناگون فعالیت سودمند است - اول استفاده از چشم‌اندازهای انسان‌شناختی به منظور نقد، و دوم، استفاده از چشم‌اندازهای انسان‌شناختی به منظور تغییر چیزها - اما مرزهای بین انسان‌شناسی توسعه و انسان‌شناسی در توسعه و همچنین انسان‌شناسی محض و کاربردی به هم است. این عمدتاً بدین خاطر است که در سال‌های اخیر فشارهای سیاسی در تأیید پژوهش دانشگاهی با رویکرد ابزارگرایانه که توسط سیاست‌گذاران - سرمایه‌گذاران اتخاذ شده، افزایش یافته است. برای مثال در بریتانیا تقاضاهای بررراتیک از دانشگاهیان برای ایجاد "تأثیر" به منظور به دست آوردن بودجه و اعزاز بخشی از ممیزی‌های دولتی از برتری دانشگاهی، انسان‌شناسان را به فکر جدی‌تر وادار کرده است تا به طور جدی‌تری درباره اثراتی فکر کنند که کارشان در فراسوی دانشگاه دارد.

مسئله تفکیک "محض" و "کاربردی" ارزشی ندارد. اما همان‌طور که در ویرایش اول بررسی کردیم، ایده‌ها مهم هستند. صرفاً به خاطر این که شخصی که کار پژوهش می‌کند، همان فردی نیست که سیاستی را طراحی می‌کند، اعتراضی می‌کند یا جنبش‌های اجتماعی را هدایت می‌کند و یا به این معنا نیست که پژوهش نمی‌تواند نقش تأثیرگذاری در فعالیت‌هایی ایفا کند که رخ

می‌دهد. در حالی که انسان‌شناسانی وجود دارند که پژوهش‌محور هستند و آنهایی که فعالانه در سیاست، طرفداری یا اعتراض مشارکت می‌کنند، اما پژوهش محض به دیدگاه‌ها و ایده‌هایی منجر می‌شود که کار کاربردی را شکل می‌دهد. در تردید این که چطور تئوری و نقد علمی می‌تواند منجر به تغییر شود، اول نیاز است که به ایده‌های کارل مارکس فکر کنیم.

این همکاری بین پژوهش، ایده و عمل که در سال‌های اخیر در پیش گرفته شده است چه شکلی دارد؟ در نوشته‌های ما در اواسط دهه ۱۹۹۰، از این که انسان‌شناسی در تغییر دادن برنامه‌های توسعه فرصت‌ها و امکاناتی برای ارائه دادن به جهان زده شده بودیم. ایده‌های انسان‌شناسی فمینیستی، پژوهش در مورد رابطه میان دانش بومی و علمی و تمرکز مردم‌نگاری در مورد زندگی روزمره، به چشم‌اندازها مسیرهای جدید را عرضه کرده که توانسته به شکستن گفتمان مسلط کمک کند. از آن پس، همان‌طور که موفقیت‌هایی وجود داشت شکست‌هایی هم بود. بسیاری از ایده‌های رادیکالی‌تر - برای مثال توانمندسازی و مشارکت - مورد توجه قرار گرفته‌اند. این را می‌توان به عنوان نشانه‌ای از تغییر مثبت خواند اما در بسیاری از موارد همان نسخه‌هایی از ایده‌های اصلی است. در برخی از موارد عملکردهای رادیکالی به مواردی تقلیل یافته است. در این معنا، اسکوبار درست پیش‌بینی کرده بود که گفتمان همیشه به‌طور جذاب خواهد کرد، به همین دلیل عملاً یکسان باقی می‌ماند، حتی گفتمان‌های جدید نیز در قالب همان برنامه از مفهوم اصلی قرار می‌گیرند و این به جرئت - حلقه و خود-ارجاعی گفتمان کمک می‌کند (۱۹۹۵: ۲۰۱). با این حال ایده‌ها و رویکردهای جدیدی ترسیم می‌کنیم که در آن جایگزین‌ها و نیز انتقادهای از جریان اصلی توسعه و چالش‌های قرن بیست‌ویکم را ارائه می‌کنیم.

فصل‌های این کتاب بدین صورت مرتب شده‌اند. پس از مقدمه در فصل اول که مختصری از تئوری توسعه ارائه می‌شود و تغییرات برای جهان

توسعه که از سال ۱۹۹۶ رخ داد، در فصل دوم به گزارشی به‌روز شده از تاریخ‌های انسان‌شناسی کاربردی و انسان‌شناسی "متعهد/مشارکتی" و نیز ظهور تازه‌تر از انسان‌شناسی آنارشی و یا اعتراضی توجه می‌کنیم. این فصل شرحی از درگیری انسان‌شناسی با توسعه و همچنین نقش گسترده‌تر آن در دغدازی، اعتراض و عمل است. در فصل سه مروری بر توسعه (D/d) داریم، دو موضوع مورد بحث از سال ۱۹۹۶ زمانی که انسان‌شناسی، توسعه و چالش‌های پست‌مدرن منتشر شد و در سال‌هایی که دنبال شد، ادامه می‌یابد. در فصل چهارم، ایده‌ها و دیدگاه‌هایی مطرح شدند که به واسطه دهه ۱۹۹۰ به مرگت و در این فصل ما راه‌هایی را توجه کردیم که به شکستن رویکردهای نفع‌مندی جریان اصلی توسعه مربوط می‌شود. از آنجایی که بحث ما این است که سؤال‌های اصلی راجع به دسترسی، کنترل و اثرات یکسان باقی می‌ماند ما این فصل را عمدتاً با نسخه اصلی تأکید کردیم. در فصل پنج برخی از دیدگاه‌های دهه ۱۹۹۰ را بازنگری کردیم. بررسی این که پتانسیل برای تغییر رقیب‌واره در توسعه، نشان‌دهنده این امر است که چگونه در برخی از بخش‌ها، اینها می‌توانند به همان چیزی تقلیل یافته باشد که کورنوال و اید (۲۰۱۰) آن را buzzword و buzzword نامیدند. علی‌رغم این مشکلات، در نتیجه‌گیری تلقی می‌شود که این بدان معنا نیست که در زمینه‌های دیگر یا برای شکل‌های دیگر مشارکت انسان‌شناسی پتانسیل این ایده‌ها کمتر است. تا حدودی انسان‌شناسی می‌تواند پروژه‌های متعارف‌تر را نقد کند و از محدوده پروژه‌هایی که در جهان جنوب به اجرا در می‌آیند فراتر برود. انسان‌شناسی نیز حرف زیادی راجع به جهان شمال، راجع به شکل‌های جدید توسعه و راجع به فراتر رفتن توسعه برای گفتن دارد که همگی دیدگاه‌هایی تازه‌ای راجع به ماهیت توانمندسازی، مشارکت و جنسیت فراهم می‌کنند.

در ویرایش جدید کتاب، هدفمان این است که در خواننده، نگاه تاریخی در مورد انسان‌شناسی توسعه و انسان‌شناسی در توسعه ایجاد کنیم. به همین خاطر بخش‌های اساسی از ویرایش سال ۱۹۹۶ به اضافه گزارشاتی به روز شده از اتفاقاتی که از آن زمان به بعد رخ داد را آوردیم. از قبل زمینه مورد مطالعه را انتخاب کرده بودیم و خط‌مشی‌های مرتبط با آن را پذیرفتیم. با این حال به صورت عمیق به موضوعاتی مانند انسان‌شناسی پزشکی، پایداری محیط‌زیست، تغییر اقلیم یا به دنیای کمک‌های بشر دوستانه بین‌المللی نپرداختیم. جهان به مقدار زیادی تغییر کرده است؛ اما سؤال‌های اصلی که انسان‌شناسان می‌پرسند همان است. مثل همیشه نیاز مبرم برای انسان‌شناسی متعهد/تعاملی همچنان وجود دارد.